

چشم انداز اقتصادی گره‌گشایی در روابط ایران و عربستان برای آمریکا

دکتر افسانه دانش

پژوهشگر مسائل سیاسی



سیاست خارجی واشنگتن در خلیج فارس به دلیل منافع اقتصادی و سیاسی، بردوستی با عربستان سعودی استوار است؛ با این حال، به تازگی این وضعیت ۳۵ ساله به دلیل نظم سیاسی جدید، در حال تغییر بوده است. از یک سوتنش زدایی هسته‌ای آمریکا و ایران زیر سؤال رفته است و از سوی دیگر، عادی سازی روابط ایران و عربستان سعودی پس از توافق مارس ۲۰۲۳ با میانجیگری چین در کانون توجه قرار گرفته است. هیچ رابطه دوجانبه‌ای در خاورمیانه برای آینده منطقه و منافع آمریکا، بیشتر از روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار نیست. هدف این نوشته، پاسخگویی به این پرسش است که عادی سازی روابط ایران و عربستان چه چشم انداز اقتصادی برای آمریکا دارد؟

آمریکایی‌ها با هدف ایجاد ثبات در منطقه پس از خروج بریتانیا و مقابله با شوروی، به شاه کمک‌های نظامی فراوانی کردند. افزایش قدرت منطقه‌ای ایران باعث شد تا شاه سیاست‌های مستقلانه‌ای در تحولات و شورش‌های منطقه‌ای بگیرد. شاه به تلاش عربستان در راستای وحدت اسلامی و استقرار امنیت منطقه‌ای بدگمان بود. استفاده از وجه مذهبی، تنها برگ برنده عربستان بود که می‌توانست در راستای افزایش قدرت منطقه‌ای خود از آن بهره ببرد (الوندی، ۱۳۹۶).

روابط عربستان سعودی و ایران سه بار (در سال ۱۹۴۲ و دو بار پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹) قطع شده است؛ در حالی که دو کشور هم‌مسایه و هم‌مسلمان، فراز و نشیب‌های سیاسی را نیز تجربه کرده‌اند. روابط جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی به دلیل تفسیرهای متفاوت از اسلام، تمایل برای رهبری جهان اسلام، سیاست‌های نفتی متضاد و رابطه با ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای غربی همواره دارای تنش بوده است.

هر دو کشور، مدعی صیانت و رهبری بر سایر کشورهای مسلمان خاورمیانه هستند که در این بین، ایران به‌عنوان یک کشور شیعه‌مذهب و عربستان سعودی به‌عنوان یک کشور سنی‌مذهب، اختلافات اعتقادی و سیاسی متعددی دارند که معمولاً منافی متضاد را برای یکدیگر ترسیم کرده است. حمایت عربستان از صدام حسین در جنگ ایران و عراق و حمایت ایران از حوثی‌ها در جنگ داخلی یمن، نمونه‌ای از این اختلافات و درگیری‌ها است.

طی چندین سال گذشته، دو کشور با حمایت از نیابتی‌های خود، از جمله در لبنان و در جنگ‌های داخلی سوریه و یمن، درگیر منازعات منطقه‌ای

اختلاف‌های منطقه‌ای ایران و عربستان سابقه‌ای طولانی دارد؛ برای مثال ادعاهای اقتدار ایران بر منطقه جنوبی خلیج فارس، به دلیل کنترل بخش‌هایی از این منطقه، قبل از ورود عثمانی‌ها در قرن شانزدهم، توسط عبدالعزیز آل سعود به چالش کشیده شد. هدف آل سعود، اتحاد قبایل در شبه جزیره عربستان بود. عبدالعزیز، پادشاهی حجاز و نجد و وابسته به آن را تأسیس کرد و بحرین را رسماً به رسمیت شناخت و عصبانیت مقامات ایرانی را برانگیخت. هنگامی که بریتانیا قصد خود را برای خروج از خلیج تا سال ۱۹۶۹ اعلام کرد، ایران باز هم با عربستان سعودی مشورت کرد و با اعطای استقلال بحرین در دسامبر ۱۹۷۱ موافقت نمود اما نیروهای نظامی خود را در جزایر خلیج مستقر کرد که با امارات متحده عربی رقابت داشت. عربستان، واشنگتن را تشویق کرد تا در حفاظت از مرزهای خود در برابر نیروهای متخاصم یمنی همکاری کند. این اتفاق به‌ویژه با توجه به رقابت شدید بین عربستان سعودی و ایران که به جنگ‌های نیابتی به سبک جنگ سرد تبدیل شده است، قابل توجه است (فولر، ۱۴۰۰: ۱۲۶).

علاوه بر این، خروج بریتانیا از شرق سوئز، نقطه عطفی در تاریخ خلیج فارس و روابط ایران و عربستان سعودی بود. تغییر راهبردی، شاه را بر آن داشت تا سیاست بلندپروازانه‌تری در این منطقه در دست بگیرد. شاه مصمم بود تا ایران، جایگاه مسلط خود را در خلیج فارس در اختیار بگیرد. ارتقای نقش منطقه‌ای تهران تا حدودی مورد حمایت آمریکا و انگلیس بود و آنها را به تغییر سیاست دو ستونی ایران - عربستان، به تک ستونی با ایران سوق داد.

را دارد که با پایان دادن به جنگ‌های نیابتی و ایجاد فرصت برای ثبات منطقه، معادلات خاورمیانه‌ای قدرت‌های بزرگ را تغییر دهد.

همکاری‌های دفاعی واشنگتن - ریاض سابقه‌ای طولانی دارد. روابط عربستان سعودی و آمریکا، دو هدف متفاوت دارد. مهم‌ترین هدف حکومت عربستان از تقویت روابط با ایالات متحده آمریکا، «امنیتی» است و خواستار حمایت واشنگتن از آل سعود در داخل عربستان و در سطح منطقه غرب آسیا است اما ایالات متحده آمریکا از تداوم رابطه با عربستان سعودی، علاوه بر دفاع از رژیم صهیونیستی، بیش از همه، اهداف «اقتصادی» را دنبال می‌کند.

آمریکا تسلیحات، آموزش نظامی و احداث تأسیسات زیربنایی نظامی عربستان را تأمین می‌کند؛ در نتیجه، آمریکا نقش اساسی در شکل‌گیری و مدرنیزه ساختن

متعددی بوده‌اند. همچنین یک خط گسل عقیدتی بین عربستان سعودی و ایران وجود داشت و بقیه اعضای ائتلاف به درجات مختلف به دنبال آن بودند. در جنگ داخلی سوریه، ایران با کمک‌های نظامی و مالی خود، در کنار روسیه، از حامیان دولت بشار اسد بود؛ درحالی‌که عربستان سعودی از نیروهای شورشی ضد دولت حمایت می‌کرد. هر دو کشور یکدیگر را به حمایت از تروریسم متهم می‌کنند. در سال‌های اخیر، روابط دوباره در سال ۲۰۱۶ به طور کامل قطع شد. سرانجام در ۷ آوریل ۲۰۲۳، هفت سال پس از قطع روابط دیپلماتیک، با نفوذ چین، دو کشور برای از سرگیری روابط دیپلماتیک، احیای روابط تجاری و فعال سازی دوباره سفارت و روابط دیپلماتیک موافقت کردند. از سرگیری روابط دیپلماتیک مورد انتظار بین عربستان سعودی و ایران، این پتانسیل



تلفات غیرنظامی، ناشی از عملیات تحت رهبری عربستان سعودی علیه شورشیان حوثی در یمن، قانون‌گذاران آمریکایی را بر آن داشت تا مانع فروش تسلیحات حدود ۲ میلیارد دلاری به عربستان سعودی شوند. این انسداد بیش از یک سال ادامه داشت.

در آوریل ۲۰۱۹، ترامپ قانون لغو کمک نظامی آمریکا به عربستان سعودی را وتو کرد. این قانون شامل معافیت فروش سلاح به متحدان در مواقع اضطراری است. ترامپ از این معافیت استفاده کرد و تنش با ایران بهانه‌ای شد که به دولت ترامپ اجازه دهد ۸٫۱ میلیارد دلار از فروش تسلیحات به عربستان سعودی، اردن و امارات را توجیه کند. به تازگی تنش‌ها بین ایالات متحده و ایران تشدید شد و ایالات متحده بر کشورهای واردکننده نفت از ایران فشار آورد تا با پایان دادن به معافیت‌ها از تحریم‌ها، خرید نفت را متوقف کنند. قصد آمریکا این است که صادرات نفت که منبع اصلی درآمد ایران است را به صفر برساند. از این راه، آمریکا قصد دارد نفوذ ایران در منطقه را محدود نماید (Kamrava, ۲۰۱۸: ۲-۴).

اقتصاد عربستان بر پایه استخراج و صدور نفت استوار است. نفت به عنوان زیرساخت، ۹۶٪ درآمد نفتی نظام سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در عربستان مطرح است. تأثیر نفت در میزان رشد تولید کل داخلی بسیار زیاد است و امکان صدور برخی از کالاهای صنعتی را برای عربستان فراهم آورده است (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱).

اما بعد از تصمیم «اوپک پلاس» مبنی بر کاهش تولید نفت و تهدید دولت جو بایدن مبنی بر گرفتن اقدامات تنبیهی در قبال عربستان، به علت این تصمیم‌گیری شاهزاده محمد بن سلمان، ولیعهد

نیروهای نظامی عربستان ایفا نموده است. طی چند دهه، ایالات متحده (آمریکا) و عربستان سعودی، شریک استراتژیک کلیدی یکدیگر هستند.

مجموعه‌ای از تعهدات توافق تسلیحاتی بین دو کشور به مبلغ ۱۱ میلیارد دلار و ۳۵۰ میلیارد دلار مبادله شده است. این قرارداد تسلیحاتی، اقدامی در راستای مبارزه و مقابله با نفوذ ایران در منطقه بوده است. چندین دهه وابستگی نیروهای امنیتی سعودی به تجهیزات و آموزش نظامی آمریکا، به طور ویژه‌ای با هدف مبارزه با نفوذ ایران بوده است. عربستان سعودی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ نزدیک به ۱۰٪ از کل صادرات تسلیحات ایالات متحده را دریافت کرده است. دولت اواما مجموعه‌ای از قراردادهای تسلیحاتی به ارزش ۱۱۵ میلیارد دلار، شامل کشتی‌های جنگی، هلیکوپترها و تجهیزات نظامی در سال ۲۰۱۶ ارائه کرد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و ملک سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه عربستان سعودی در ماه می ۲۰۱۷ مجموعه‌ای از تعهدات مبنی بر قراردادهای تسلیحاتی را امضا کردند که بر اساس این تعهدات، عربستان سعودی طی ۱۰ سال، تسلیحات به ارزش ۳۵۰ میلیارد دلار خریداری خواهد کرد؛ در حالی که خرید فوری تسلیحات به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار نیز انجام خواهد شد. این قراردادها شامل تانک‌ها، کشتی‌های جنگی، سیستم دفاع موشکی، رادارها، ارتباطات و فناوری امنیت سایبری بود (Shabbir; Ali khan; Bhattarai, ۲۰۲۳: ۳۰۴-۳۰۶).

اما قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار سعودی مستقر در آمریکا در اکتبر ۲۰۱۸، منجر به اعتراض بین‌المللی و انتقاد شدید از دولت ترامپ به دلیل انجام معاملات تسلیحاتی با عربستان شد. ترور خاشقچی، همراه با

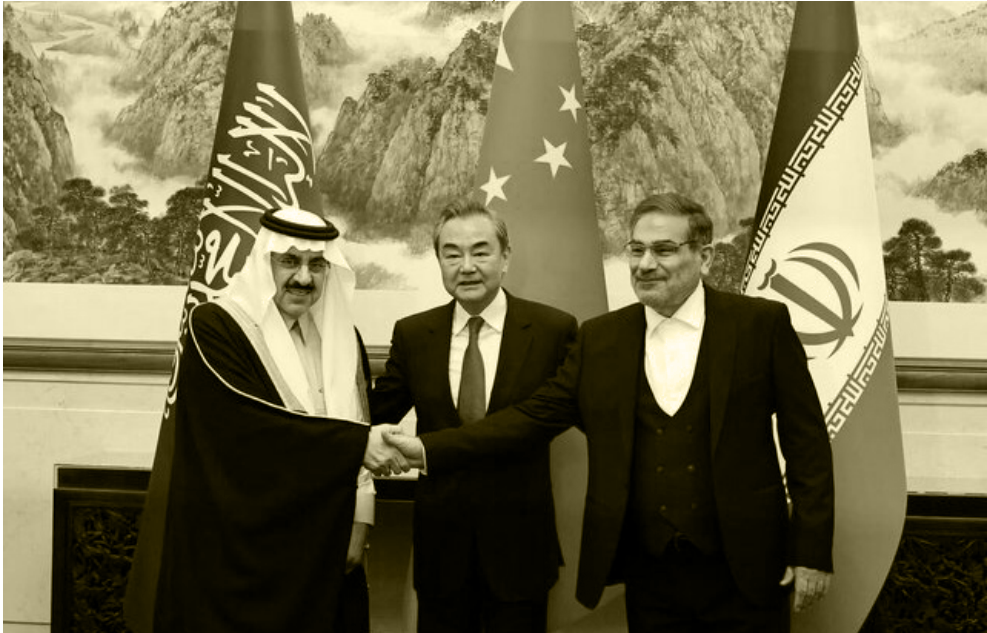


کاهش روزانه دو میلیون بشکه نفت در روز با روسیه به توافق رسیدند. این تصمیم باعث افزایش قیمت حامل‌های انرژی در بازارهای جهانی شد. محمد بن سلمان نیز تهدید کرد که ضمن بازنگری اساسی در روابط با آمریکا، تحریم احتمالی علیه واشنگتن وضع خواهد کرد و ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه سعودی را از این کشور خارج خواهد نمود؛ به عبارت دیگر عربستان قصد دارد این پیام را به جهان مخابره کند که اگر ریاض تصمیم بگیرد تا با روسیه، چین و ایران همکاری کند، قدرت‌های غربی توان تغییر تصمیمات سعودی را ندارند.

از جمله پیامدهای مهم دیگری که توافق عربستان سعودی و ایران برای آمریکا داشت، میانجی‌گری چین بود. باتوجه به اینکه ایالات متحده به طور تاریخی نقطه نفوذ خارجی اصلی در خاورمیانه را به

عربستان موضع‌گیری شدید و سرسختانه‌ای گرفته است. او تهدید کرده بود تغییر مهمی در رابطه با آمریکا به وجود خواهد آورد.

محمد بن سلمان ولیعهد و نخست‌وزیر جوان سعودی، راه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰۳۰، رشد اقتصاد غیرنفتی، پیشینه‌سازی استقلال سیاسی و افزایش قدرت مانور این کشور در محیط منطقه‌ای را در گسترش روابط با بازیگران جدید و تأثیرگذاری همچون چین، روسیه، هند، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران می‌داند. شاید به دلیل گرفتن چنین سیاستی از سوی سعودی‌ها، مقامات آمریکایی تلاش می‌کنند تا متحد قدیمی خود را از مدار چین، روسیه و ایران خارج کند. ریاض - ابوظبی برخلاف برخی دولت‌های منطقه همچون قطر و عمان، سیاستی متفاوت در دست گرفتند و در قالب جدیدی به نام «اوپک پلاس» بر سر



این دو کشور دارای ذخایر عظیم گاز هستند و می‌توانند برای افزایش تولید و به طور بالقوه جبران نوسانات قیمت جهانی همکاری کنند. در صنعت پتروشیمی نیز زمینه‌های همکاری با هدف تنظیم بازار، به نفع تولیدکنندگان وجود دارد. ایران می‌خواهد تولیدات پتروشیمی را تا سال ۲۰۲۶ به ۱۴۰ میلیون تن در سال برساند که به سرمایه‌گذاری ۷۰ میلیارد دلاری نیاز دارد. در همین حال، پتانسیل سرمایه‌گذاری شرکت‌های سایبک عربستان سعودی و آرامکو می‌تواند برد - برد باشد.

یکی از برجسته‌ترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری ریاض در ایران، بخش انرژی (صنایع نفت و گاز، پتروشیمی و برق ایران) است. برخلاف برخی تفاوت‌ها در میدان‌های مشترک نفت و گاز، هر دو کشور می‌توانند از افزایش همکاری در زمینه اکتشاف نفت و گاز و تولید مشترک، توسعه زیرساخت‌ها، ساخت تجهیزات و تبدیل

خود اختصاص داده است، این تحول نشان‌دهنده دخالت فزاینده چین در منطقه است. تبدیل چین از یک قدرت اقتصادی به یک قدرت سیاسی و ثبات ساز در غرب آسیا و تضعیف هژمونی آمریکا در این منطقه استراتژیک دنیا، باعث تقویت نقش فرامنطقه‌ای چین و تضعیف قدرت منطقه‌ای آمریکا می‌شود. چین روابط قوی با ایران و عربستان سعودی دارد. عربستان سعودی بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت چین است و ایران برای تجارت خارجی خود به چین متکی است. عربستان سعودی و ایران حدود ۳۷٪ از ذخایر نفت جهان را در اختیار دارند. تقویت همکاری متقابل آنها هم با هم و در چارچوب اوپک و اوپک پلاس می‌تواند برای دستیابی به منافع مشترک مانند کنترل بازار و اطمینان از حداکثر منافع هر دو تولیدکننده مفیدتر باشد.

شدن به هاب لجستیکی بین آفریقا، اروپا و آسیا است. همکاری دوجانبه در ترانزیت و لجستیک می‌تواند به دسترسی آسان ایران به آفریقا و دسترسی بهتر عربستان سعودی به اوراسیا منجر شود. علاوه بر این، تعاملات مشترک در خطوط پرواز، ترافیک هوایی و گسترش خطوط هوایی و دریایی نیز از نکات پیش رو در افزایش تجارت است.

بازار فناوری عربستان سعودی، بزرگ‌ترین بازار خاورمیانه است. همکاری در طرح‌های صنعتی درباره تجهیزات و ماشین‌آلات، فناوری و قابلیت‌های تولید زیستی، نانو و دارو، تجهیزات پزشکی، خودروسازی و فرآوری مواد غذایی همه حوزه‌هایی هستند که سرمایه‌گذاری‌های جدیدی در آنها انجام می‌شود.

از دیدگاه عربستان سعودی و ایران، گردشگری، یک بخش کلیدی است هم ایران و هم عربستان سعودی اماکن فرهنگی و مذهبی زیادی دارند که می‌توانند گردشگران را جذب کنند. همچنین عربستان سعودی یکی از واردکنندگان اساسی محصولات غذایی است و بیش از ۷۵٪ از نیازهای غذایی خود را وارد می‌کند. از سوی دیگر ایران نیز به عنوان بخشی از نیاز خود، واردات انجام می‌دهد. ایران و عربستان سعودی پتانسیل زیادی برای همکاری در امنیت غذایی دارند. از یک سو، دو کشور می‌توانند نقاط ضعف یکدیگر را تکمیل کنند. با توجه به تحولات جدید ژئوپلیتیکی در سطح جهانی، تأمین امنیت غذایی می‌تواند محوری برای همکاری‌های تجاری و اقتصادی تهران و ریاض باشد. عربستان سعودی بیش از ۱۴۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورهای خارجی داشته است اما تا همین اواخر،

رقابت به همکاری بهره‌مند شوند. صنعت نفت و گاز ایران به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دوباره نیاز دارد؛ درحالی‌که صنعت برق به ۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد. بی شک عربستان سعودی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز به یکی از اولویت‌های اصلی دولت‌های خاورمیانه تبدیل شده است. همکاری ایران و عربستان می‌تواند به تولید انرژی خورشیدی و انرژی‌های تجدیدپذیر منجر شود. همکاری‌های دوجانبه می‌تواند بر موانع توسعه انرژی‌های نو در ایران از جمله تحریم‌ها، اقتصادی و کمبود منابع مالی و مشکلات بر سر راه سرمایه‌گذاران فائق آید. همکاری دوجانبه و تقویت منافع مشترک در حمل‌ونقل و لجستیک منطقه‌ای بسیار مهم است (Ramezani, Bonesh, ۲۰۲۳).

ایران از راه کریدور شمال - جنوب می‌تواند راه ارتباطی عربستان سعودی برای دسترسی به اقتصادهای آسیای مرکزی، روسیه، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اروپای شرقی باشد. تقویت همکاری‌های چندجانبه، سه‌جانبه و ایران، عربستان، هند و روسیه در کریدور شمال - جنوب یک وضعیت برد - برد است. تقویت همکاری‌های سه‌جانبه ایران، عربستان و چین در راستای طرح کمربند و جاده چین از دیگر موارد است. توسعه مشترک زیرساخت‌های حمل‌ونقل زمینی - ریلی در هر دو طرف مهم است.

یکی از برجسته‌ترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری عربستان در ایران، زیرساخت‌های حمل‌ونقلی از جمله بندرها و تأسیسات شمال خزر و جنوب خلیج فارس است. یکی از راهبردهای اقتصاد عربستان، تبدیل

Hierarchy and Instability. (۲۰۱۸). Kamrava, M in the Middle East Regional Order, International Studies Journal, Vol ۱۴, No. ۴, pp. ۱-۳۵.

The Normalization. (۲۰۲۳). Ramezani Bonesh, F of Saudi Iran Relations: Economic Capacity, Trade Potential and Outlook, Middle East Briefing, August ۲۰۲۳, ۱۴. <https://www.middleeastbriefing.com/news/the-normalization-of-saudi-iran-relations-economic-capacity-trade-potential-and-outlook>

. (۲۰۲۳). Shabbir, Q. Ali khan, N. Bhattarai, G Implications of US-Saudi Arms Deal for Middle East Strategic Landscape, Geopolitics Quarterly, Volume ۱۸, No ۴, PP ۲۹۹-۳۱۳.

ایران سهمی در جذب این سرمایه نداشت. اکنون ریاض قابلیت‌های زیادی برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران دارد (Shabbir and Bhattarai, ۲۰۲۳).

منابع
الوندی، رهام (۱۳۹۶)، نیکسون، کیسینجر و شاه، ایالات متحده آمریکا و ایران در دوران جنگ سرد، ترجمه غلامرضا علی بابایی، تهران: پارسه.

شیرازی، حبیب اله ابوالحسن؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ سیمبر، رضا (۱۳۹۷)، سیاست و حکومت در خاورمیانه، تهران: سمت.

فولر، گراهام (۱۴۰۰)، قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.

